

حجاب در ادیان مختلف

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت ها و آیین های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است، ولی هیچگاه بطور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زنانشان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می شدند، یاد می کنند.

دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل تاریخ و عصر حجر نسبت می دهند. کتاب «زن در آینه تاریخ» پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، می نویسد: با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده، پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می شود؛ و به این دلایل، عقیده عده ای که می گویند «مذهب» موجد حجاب می باشد، صحت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار مؤثر بوده است.^۱

پوشش زن در یونان و روم باستان

دایره المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می گوید: زنان یونانی در دوره های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و اِمِرجوس و دیگر جزایر ساخته می شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی قرمز بودند. سخن درباره حجاب، در لابلای کلمات قدیمی ترین موءلفین یونانی نیز به چشم می خورد؛ حتی «بنیلوب» (همسر پادشاه «عولیس» فرمانروای ایتاک) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «ثیب» دارای حجاب خاصی بوده اند، بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با پارچه می پوشاندند. این پارچه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می گرفت تا بتوانند ببینند. در «اسپارته» دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند، ولی بعد از ازدواج خود را از چشم مردان می پوشاندند. نقش هایی که بر جای مانده، حکایت می کند که زنان سر را می پوشانده، ولی صورت هایشان باز بوده است، و وقتی به بازار می رفتند، بر آنان واجب بوده است که صورت هایشان را بپوشانند؛ خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سیبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (و فارس و عرب) نیز وجود داشته است. زنان رومانی از حجاب شدیدتری برخوردار بوده اند، به طوری که وقتی از خانه خارج می شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می پوشاندند و چیزی از برآمدگی های بدن مشخص نمی شد.^۲

یکی از تاریخ نویسان غربی نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است. او درباره «الهه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است، می گوید: «آرتمیس»، الهه عفت است و عالی

ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شمار می آید. دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک و به زیور عفت و تقوا آراسته است.»^۳

همچنین درباره مردم یکی از قبائلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی می کرده اند، آمده است: «بالا تر از ارمینان و در کنار دریای سیاه، «سگاها» بیابانگردی می کردند. آنها مردم وحشی و درشت اندام قبائل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارا به به سر می بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می داشتند.»^۴

این مورخ در جای دیگر می گوید: «زنان فقط در صورتی می توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن های مذهبی و تماشاخانه ها حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند.»^۵

همچنین از قول یکی از فلاسفه یونان باستان، درباره شدت پوشش زن، نقل می کند: نام یک زن پاک دامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت.»^۶

پوشش زن در ایران باستان

در مورد پوشش زنان ایران باستان، مطالب زیادی در تاریخ وجود دارد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و اینکه حجاب بسیار سختی در بین آنان رایج بوده است، می گوید: «زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان آمیزش (اختلاط) کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را، ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش هایی که در ایران باستان بر جای مانده، هیچ صورت زن دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد.»^۷

از دائرة المعارف لاروس نیز به دست می آید که حجاب در بین مادها و پارس ها وجود داشته است.^۸ همچنین در تفسیر اثنی عشری^۹ آمده است: «تاریخ نشان می دهد که حجاب در فرس قدیم وجود داشته است». در کیش «مازدیسنی» نامه شت مهباد، آیه ۹۰ گوید: زن خواهید و جفت گیرید و هم خوابه دیگری را نبینید و بر او منگرید و با او میامیزید».

نصوصی که بیانگر حجاب زنان ایران باستان است، نشان می دهد که زنان در دوره های مختلفی چون دوره مادها، پارس ها (هخامنشیان)، اشکانیان و ساسانیان دارای حجاب و پوشش بوده اند، که به چند نمونه آن اشاره می شود:

دوره مادها

در کتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» آمده: «اصلي که بايد در نظر داشت، اين است که طبق نقوش برجسته و مجسمه هاي ما قبل ميلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) از لحاظ شکل (با کمی تفاوت) با پوشاک مردان یکسان است.»^{۱۰}

وی در ادامه برای توضیح نقوش بر جای مانده می نویسد: «مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می شوند. به نظر می رسد که زنان پوششی نیز روی سر خود گذارده اند و از زیر آن گیسوهای بلندشان نمایان است.»^{۱۱}

دوره پارسی ها (هخامنشیان)

پارسی ها به وسیله کوروش، دولت ماد را از میان برداشته و سلسله هخامنشی را تأسیس کردند. آنها از نظر لباس همانند مادها بودند. در مورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است: «از روی برخی نقوش مانده از آن زمان، به زنان بومی برمی خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است. به زنان دیگر آن دوره نیز برمی خوریم که از پهلوی به اسب سوارند. اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده و در زیر آن، یک پیراهن با دامن بلند و در زیر آن نیز، پیراهن بلند دیگری تا به مچ پا نمایان است.»^{۱۲}

دوره اشکانیان

در این دوره نیز همانند گذشته، حجاب زنان ایرانی کامل بوده است. در این باره چنین می خوانیم: «لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین دار و یقه راست بوده است. پیراهن دیگری داشته اند که روی اولی می پوشیدند و قد این یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمناً یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سرمی کردند.»^{۱۳}

در جای دیگر آمده است: «چادر زنان اشکانی به رنگ های شاد و ارغوانی و یا سفید بوده است. گوشه چادر در زیر یک تخته فلزی بیضی منقوش یا دکمه که به وسیله زنجیری به گردن افکنده شده، بند است. این چادر به نحوی روی سر می افتاده که عمامه (نوعی کلاه زنانه) را در قسمت عقب و پهلوها می پوشانیده است.»^{۱۴}

در کتاب «پارتیان» نیز آمده است: «زنان عهد اشکانی قبایی تا زانو بر تن می کردند، با شلی که بر سر افکنده می شد و نیز نقابی داشتند که معمولاً به پس سر می آویختند.»

دوره ساسانیان

در این دوره اردشیر پسر بابک با استفاده از ضعف اشکانیان، سلسله ساسانیان را بنیان نهاد و دین زرتشت را دین رسمی کشور قرار داد. اوستا را ترجمه و آتشکده های ویران را بازسازی نمود. زنان در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می شده است، همچنان دارای حجاب کامل بودند. در مورد پوشاک زنان چنین آمده است: «چادر که از دوره های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است، در این دوره نیز به صورت مختلف مورد استعمال داشته است.»^{۱۵}

حجاب زنان در این دوره چنان اهمیتی داشت که «حتی لباس هنرپیشگان زن، مانند لباس های بلند سایر بانوان، تا پشت پا کشیده شده است.»^{۱۶}

برای اثبات توجه زنان در این دوره به حجاب، کافی است این نقل تاریخی را از منابع اسلامی مرور کنیم: هنگامی که سه تن از دختران کسری، پادشاه ساسانی، را با ثروت فراوانی از اموال، برای عمر آوردند، شاهزادگان ایرانی را در برابر عمر در حالی که با پوشش و نقاب، خود را پوشانده بودند، ایستاندند، خلیفه دستور داد، با آوازی بلند بر آنان فریاد کشند که: پوشش از چهره بگیرید تا مسلمانان آنها را ببینند و خریداران پول بیشتری به پای آنها بریزند.

دوشیزگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و مشتش بر سینه نماینده عمر زدند و آنان را از خود دور ساختند. خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه آنان را بیازارد، در حالیکه شاهزادگان ایرانی می گریستند. حضرت علی (علیه السلام) به عمر فرمودند: در رفتار مدارا کن؛ از پیغمبر خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: «بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده، گرامی بدارید». عمر پس از شنیدن فرمایش حضرت علی (علیه السلام) آتش خشمش فرو نشست. سپس حضرت اضافه کرد: «با دختران ملوک نباید معامله دختران بازاری (کنیزان) کرد.»^{۱۷}

پوشش زن در ادیان بزرگ الهی

حجاب در شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام)

در آئین مقدس حضرت ابراهیم (علیه السلام) مسأله پوشش زنان، حائز اهمیت بوده است. در کتاب تورات چنین می خوانیم: «"رققه" چشمان خود را بلند کرده و اسحاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا از خادم پرسید: این

مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می آید؟ خادم گفت: آقای من است. پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید. ۱۸

از این بیان روشن می شود که پوشش زن در مقابل نامحرم در شریعت حضرت ابراهیم (علیه السلام) وجود داشته است؛ زیرا «رفقه» در مقابل اسحاق که به او نامحرم بود، از شتر پیاده شد و خود را پوشاند تا چشم اسحاق به او نیفتد.

حجاب در آیین یهود

در اصول اخلاقی «تلمود» که یکی از کتاب های مهم دینی و در حقیقت فقه مدون و آیین نامه زندگی یهودیان است، آمده: «اگر زنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنانچه مثلاً بی آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می رفت و یا در شارع عام نخ می رشت یا با هر سخی از مردان درد دل می کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه اش تکلم می نمود، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد.» ۱۹

حجاب در آیین مسیحیت

در کتاب انجیل آمده است: پولس در رساله خود به قدنتیان تصریح می کند:

«اما می خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. هر مردی که سرپوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می نماید. اما هر زنی که سربرهنه دعا کند، سر خود را رسوا می سازد؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود.

زیرا اگر زن نمی پوشد، موی را نیز ببرد و اگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است، باید بپوشد؛ زیرا که مرد را نباید سر خود را بیوشد چون که او صورت و جلال خداست، اما زن جلال مرد است؛ زیرا که مرد از زن نیست، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده، بلکه زن برای مرد. از این جهت زن می باید عزتی بر سر داشته باشد، به سبب فرشتگان... در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند.» ۲۰ پس در جایی که برای دعا باید سر زن پوشیده باشد، به هنگام روبه رو شدن با نامحرم پوشش سر لازم تر خواهد بود.

و نيز در انجيل، در رساله پولس، به تیموتائوس می گوید: «و همچنین زنان خود را بيارايند به لباس حيا و پرهيز، نه به زلف ها و طلا و مرواريد و رخت گران بها، بلکه چنان که زنانی را می شايد که دعوای دينداری می کنند به اعمال صالحه.» ۲۱

پی نوشت ها:

- 1- علی اکبر علویقی،
- 2- به نقل از دایرة المعارف القرن العشرين، ۱۹۲۳.
- 3- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ص ۵۲۰.
- 4- همان، ص ۳۳۶.
- 5- همان، ص ۳۴۰.
- 6- همان.
- 7- همان، ص ۴۳۴.
- 8- به نقل از دایره المعارف القرن العشرين، ۱۹۲۳.
- 9- تفسیر اثنی عشری، ج ۱۰، ص ۴۹۰.
- 10- ضیاءپور، پوشاک باستانی ایرانیان، ص ۵۱.
- 11- همان، ص ۵۴.
- 12- همان، ص ۵۶.
- 13- جلیل ضیاء پور، پوشاک زنان ایرانی، ص ۱۹۴.
- 14- همان، ص ۱۹۷.
- 15- همان، ص ۱۱۴.
- 16- علی سامی، تمدن ساسانی، ج ۱، ص ۱۸۶.
- 17- السیرة الحلییه، ج ۲، ص ۲۳۴.

18- سفر پيدايش، باب ۲۴، آيه ۶۴ و ۶۵.

19- ويل دورانت، تاريخ تمدن، ج ۴، ص ۴۶۱.

20- باب ۱۱، آيه ۱۴ تا ۳.

21- باب دوم، آيه ۹ تا ۱۱.

منبع : سايت تبیان - سايت حوزه

گردآورنده : حميرا حيدري ، کارشناس امور فرهنگي دانشکده پيراپزشکي

